

تبیین وظایف و کارکردهای تنظیم‌گری^۱ در حوزه نفت و گاز و مطالعه‌ی تجارب کشورهای منتخب

علی خواجه‌وی • معاونت برنامه‌ریزی وزارت نفت

چکیده

تنظیم‌گری که به‌عنوان یکی از عناصر حکمرانی خوب مطرح است می‌تواند در کنار سایر عناصر منجر به ایجاد حاکمیتی مطلوب و مؤثر شود. تنظیم‌گری به‌معنای وضع قوانین، به‌منظور هدایت و اصلاح رفتار عوامل مؤثر در یک بازار تعریف شده است. بنابراین باید توجه داشت تنظیم‌گری ابزاری است که اساساً در پاسخ به ناکامی بازار استفاده می‌شود و هدف آن ارتقاء بازدهی بازار از طریق افزایش رقابت در بازار و کاهش انحصار است. همچنین نهاد تنظیم‌گری، یک مرکز دولتی مسئول یا سازمان غیردولتی با اختیارات قانونی است که اصول و قوانین کنترلی یک صنعت یا یک بخش اقتصادی را وضع می‌کند، بر فعالیت‌های شرکت‌های درون آن صنعت یا بخش نظارت (حسن اجرا) دارد و در خصوص موارد اختلافی، داوری می‌کند. با توجه به اسناد بالادستی کشور در بخش نفت و گاز، به‌روشنی وظایف وزارت نفت در زمینه‌ی راه‌اندازی نهاد تنظیم‌گری جهت تسهیل فضای کسب و کار، ایجاد رقابت و رفع انحصار تبیین شده است. البته ساماندهی نهاد تنظیم‌گری باید بر اساس بررسی و تحلیل نیازها و شرایط خاص هر بخش و کشور انجام شود و نمی‌توان ساختار تنظیم‌گری یک کشور توسعه‌یافته را با همان مقیاس در یک کشور در حال توسعه پیاده کرد.

اطلاعات مقاله

* دریافت:

۹۴/۱۱/۱۲

* ارسال برای داوری:

۹۴/۱۱/۱۵

* پذیرش:

۹۴/۱۲/۲

واژگان کلیدی

تنظیم‌گری
خصوصی‌سازی
رقابت
انحصار

مقدمه

با وجود تأکیدات ویژه بر خصوصی‌سازی طی دهه‌ی اخیر، بسترسازی مناسب برای فعالیت این بخش و نیل به اهداف خصوصی‌سازی در کشور به‌اندازه‌ی کافی انجام نشده است. از این رو گسترش فعالیت مؤثر بخش خصوصی در کنار بخش دولتی و محافظت از منافع تمامی بازیگران، نیازمند اصلاح قوانین و تنظیم مقررات و تبیین نگرش‌های جدید به اقتصاد رقابتی و جلوگیری از انحصارات دولتی و خصوصی است. برای تحقق این امر تجدید ساختارهای قانونی و نظارتی در نهاد دولت ضروری خواهد بود.

به‌طور بدیهی در آن دسته از بازارهای اقتصادی که به‌دلایل مختلف از جمله انحصاری بودن و دوری خدمات و محصولات آنها از فضای رقابتی (مانند صنعت نفت)، نقش دولت در تنظیم‌گری

بسیار پررنگ‌تر است؛ چراکه در این بازارها ناکارآمدی نظام بازار بیشتر مشاهده می‌شود که این امر می‌تواند منجر به عدم محقق اهداف مدنظر شود.

تجربیات جهانی حاکی از آنست که در سایه‌ی فعالیت بهینه‌ی نهادهای تنظیم‌گری، توازن لازم بین منافع بخش خصوصی، دولتی و مصرف‌کنندگان حاصل شده و با حفظ رقابت و ممانعت از بروز رفتار انحصارگرایانه و فراهم آوردن بستر مناسب برای دستیابی به مزایای اقتصاد بازار، می‌توان رفاه جامعه را افزایش داد.

۱- جایگاه تنظیم‌گری در حکمرانی خوب

در مطالعه‌ای که توسط مؤسسه‌ی House Chatham با عنوان حکمرانی خوب در بخش نفت منتشر شده، پنج رکن اساسی برای حکمرانی مطلوب بیان شده است:

- شفافیت اهداف، نقش‌ها و مسئولیت‌ها

- توسعه‌ی پایدار به نفع نسل‌های آتی
 - توانمندسازی جهت اجرای نقش‌های واگذار شده
 - پاسخگویی در قبال تصمیمات و عملکردها
 - شفافیت در اطلاع‌رسانی
- همچنین در گزارش مذکور عنوان شده که یک سیستم حکمرانی خوب چهار کارکرد اساسی به‌شرح زیر دارد:
- خط‌مشی‌گذاری^۲
 - تدوین استراتژی^۳
 - تصمیم‌سازی عملیاتی^۴
 - نظارت و مقررات^۵

در واقع همان‌طور که مشاهده می‌شود تنظیم‌گری که به‌عنوان یکی از عناصر حکمرانی خوب مطرح است می‌تواند در کنار سایر عناصر منجر به ایجاد حاکمیتی مطلوب و مؤثر شود.

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات (a.khajavi@gmail.com)

۲- تعریف تنظیم‌گری

بر اساس فرهنگ لغت آکسفورد، To Regulate به معنی کنترل و هدایت بر اساس قاعده، اصل، روش یا قانون است. همچنین Regulation به معنای عمل کنترل، هدایت یا تنظیم چیزی توسط قاعده و قانون تعریف شده است. تنظیم‌گری ممکن است برای تعیین یا برحذر داشتن از رفتاری به منظور هم‌راستا کردن انگیزه‌ها و اولویت‌ها انجام شود. همچنین در فرهنگ لغات گزارش‌های سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، تنظیم‌گری به معنی وضع قوانین توسط دولت به منظور اصلاح رفتار اقتصادی کنشگران بازار (عوامل و ذی‌نفعان) تعریف شده است. اجرای این قوانین توسط جرائمی (در صورت تخطی از آنها) پشتیبانی می‌شود.

بنابراین باید توجه داشت که تنظیم‌گری یک ابزار است نه یک هدف. این ابزار اساساً پاسخی است به ناکامی بازار که هدف آن ارتقاء بازدهی بازار است. در واقع تنظیم‌گری سیستمی است که به دولت امکان محافظت نهادینه از منافع تمامی عوامل دخیل در بازار را می‌دهد.

۳- تعریف نهاد تنظیم‌گر و تبیین وظایف و اهداف آنها

بر اساس تعریف فرهنگ لغت تجارت، نهاد تنظیم‌گری، یک مرکز دولتی مسئول یا سازمان غیردولتی با اختیارات قانونی است که اصول و قوانین کنترلی یک صنعت یا یک بخش اقتصادی را وضع می‌کند، بر فعالیت‌های شرکت‌های درون آن صنعت یا بخش نظارت (حسن اجرا) دارد و در خصوص موارد اختلافی، داوری می‌کند. نهاد تنظیم‌گری در هر کشور بسته به نوع مدیریت سیاسی، وظایف خاصی بر عهده

دارد. اما در مجموع نهاد تنظیم‌گر مقررات چهار وظیفه‌ی کلیدی زیر را بر عهده دارد:

- تدوین ضوابط و مقررات چگونگی انجام فعالیت (تنظیم و بازنگری ادواری تعرفه‌ها، ابلاغ استانداردهای فنی، ایمنی و کیفیت و ...) که منجر به ایجاد رقابت سالم در بازار و ارتقاء کیفیت خدمات ارائه شده و همچنین سوددهی مناسب عرضه‌کنندگان می‌شود (ارتقاء بازدهی تولید و تخصیص بهینه‌ی منابع)

- نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات توسط تمامی عناصر بازار به منظور نظارت بر حسن اجرای قوانین و دستورالعمل‌ها، کنترل رفتارها و سیاست‌های انحصارطلبانه، صیانت از حقوق شهروندان و مصرف‌کنندگان، صیانت از حقوق حاکمیت و صیانت از حقوق بخش خصوصی (توسعه‌ی تعهدات معتبر)

- داوری و حل اختلاف بین عناصر فعال در بازار
- اجرای برخی فعالیت‌های اجرایی (مانند برگزاری مناقصات، صدور و تمدید مجوزها، انتشار اطلاعات و ...) به نوعی که منجر به کاهش و کوچک کردن رانتهای اطلاعاتی شود

با عنایت به موارد بالا می‌توان گفت مهم‌ترین هدف نهادهای تنظیم‌گر مقررات، گسترش و توسعه‌ی بازارهای رقابتی به نحوی است که در مجموع حقوق سه رکن اصلی بازارهای اقتصادی یعنی دولت، بخش خصوصی و مصرف‌کنندگان تأمین گردد.

همچنین نهادهای تنظیم‌گر می‌توانند در قالب وزارتخانه‌ها، مراکز دولتی و همچنین مؤسسات و سازمان‌های غیردولتی در چهار سطح مختلف یعنی استان/ایالت، کشور، منطقه (مانند اتحادیه اروپا) و بین‌الملل و فرامنطقه‌ای (مانند WTO) فعالیت کنند.

۴- ابزارهای قانونی در اختیار نهادهای تنظیم‌گر

ابزارهایی که یک نهاد تنظیم‌گر برای نیل به اهداف خود از آن بهره می‌برد عبارتند از:

- وضع تعرفه، تعیین نرخ ارائه‌ی خدمات و قیمت‌گذاری

- وضع استانداردها و دستورالعمل‌های مربوطه
- صدور مجوز ورود و خروج شرکت‌ها به بازار

- انجام نظارت و کنترل عملکرد فعالان بازار و جمع‌آوری اطلاعات لازم
- وضع جرائم، تنبیهات و مشوق‌های لازم در خصوص اجرای قوانین و دستورالعمل‌ها
- رسیدگی به شکایات، حل اختلافات و هماهنگی کامل دستگاه‌های قضائی برای پیاده‌سازی احکام صادره

۵- اثرات تنظیم‌گری بهینه در توسعه‌ی اقتصادی

اصلی‌ترین اثر تنظیم‌گری در توسعه‌ی اقتصادی یک کشور، ارتقاء عملکرد بازار از طرق زیر است:

- افزایش رقابت در بازار و در نتیجه، پایداری اقتصاد

- کاهش و کنترل مخاطرات انحصار
- حذف و کاهش بوروکراسی و برطرف کردن موانع فعالیت‌های سازنده و تولیدی (بهبود و تسهیل فضای کسب و کار)
- افزایش جذب سرمایه‌گذاری به دلیل بهبود فضای کسب و کار

- کاهش هزینه‌ها و رانتهای موجود در حوزه‌ی دستیابی به اطلاعات
- تقویت کارآفرینی و افزایش اعتماد مشتریان

۶- فرآیندهای درونی نهادهای تنظیم‌گر

فرآیندهای اصلی که در نهادی تنظیم‌گر

باید به صورت مرتب و دوره‌ای انجام شوند عبارتند از [۱۵]:

■ تنظیم‌زدایی یا مقررات‌زدایی: به معنای کاهش محدودیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در رفتار کنشگران

■ بازتنظیم‌گری: تدوین مجموعه‌ی جدیدی از قوانین و مقررات که تسهیل‌کننده‌ی اعمال اصلاحات و آزادسازی بازار باشد

■ تنظیم‌گری رقابت: مجموعه‌ی قوانین و دستورالعمل‌هایی که قواعد رقابت را مشخص می‌کند

■ تنظیم‌گری برای رقابت: مجموعه قوانینی که ایجادکننده‌ی فضای رقابتی و حذف‌کننده‌ی انحصار است

■ فرانتظیم‌گری: به معنای اینکه فرآیند تنظیم‌گری نیز خود نیازمند تنظیمات و مقرراتی است که باید مقدار سازگاری عملکرد سازمان‌های تنظیم‌گر را با آنها سنجید. همچنین پیشرفت‌های فن‌آوری، الزامات اقتصادی و اولویت‌های سیاسی می‌توانند منطق یک ساختار تنظیم‌گری را

تحت تأثیر قرار دهند و بنابراین همواره نیازمند بهینگی تنظیم‌گری متناسب با شرایط هستیم.

۶- اصول و عوامل تنظیم‌گری مؤثر و کارا

در صورت نیاز به ورود تنظیم‌گری به حوزه‌ای خاص باید به عواملی که کارآیی تنظیم‌گری و اثربخش بودن ارتقاء می‌دهند توجه کافی داشت. این عوامل اجمالاً عبارتند از:

- وجود اهداف کاملاً شفاف و دست‌یافتنی به‌همراه مستندسازی و شفافیت لازم در فرضیات مشخص‌کننده‌ی این هدف‌ها (اتخاذ رویکرد ادله‌محور در مدیریت بازار)
- شناسایی و بررسی دقیق آثار قوانین و مقررات تنظیم‌گری و کاستن از نتایج نامطلوب آنها
- سازگاری عمودی و افقی با سایر مقررات و قوانین موجود
- عدم همپوشانی و تداخل حوزه‌ی فعالیت نهادهای تنظیم‌گر با یکدیگر
- مشارکت هرچه بیشتر نقش آفرینان و

بازیگران در طراحی قوانین تنظیم‌گری

- توجه به هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم اجرای مقررات تنظیم‌گری؛ سازمان‌های تنظیم‌گر باید مشخص کنند که هزینه‌ها چگونه ایجاد شده و بر عهده‌ی کیست؟

- بازنگری دوره‌ای در ساختار، نحوه‌ی تنظیم‌گری و قوانین و جرائم تدوین شده بر اساس رصد مداوم شرایط و تحولات بازار، پیشرفت‌های فن‌آوری، الزامات اقتصادی و اولویت‌های سیاسی

- انعطاف‌پذیر بودن در وضع قوانین جهت سازگاری هرچه بیشتر با تغییرات شرایط بازار
- ضرورت اجتناب از به‌کار بردن جملات مبهم در قوانین تنظیم‌گری و تا حد امکان ساده‌سازی آنها به‌نحوی که طرفین به‌خوبی وظایف و مسئولیت‌های خود را درک کنند
- هم‌خوانی جرائم و جزای در نظر گرفته شده با قوانین مدنی و کیفری و تعیین آنها متناسب با ریسک‌ها و خطرات موجود
- فراهم بودن روندهای منصفانه‌ی فرجام‌خواهی قضایی و در دسترس بودن این روندها برای طرفین
- تدوین قوانین و مقررات نهادهای تنظیم‌گر توسط کارکنان آموزش‌دیده

۸- اصول و ویژگی‌های عمومی نهادهای تنظیم‌گر

- استقلال تنظیم‌گر: استقلال در برابر دولت (و جریان‌های سیاسی) و استقلال در برابر منافع صنعت
- استقلال رأی و نظر نهاد تنظیم‌گری مشروط به مهیا بودن شرایط زیر است:
- اعطای اختیارات قانونی و حقوقی لازم برای تدوین قوانین و پیاده‌سازی و نظارت بر آنها
- استقلال مالی
- استقلال مدیریتی و اجرایی

انواع روش‌های تنظیم‌گری از منظر کارکردی

نوع تنظیم‌گری	تعریف	مزایا	معایب
تنظیم‌گری دستور و کنترل	اعمال معیارها و استانداردهای مختلف است که در صورت برآورده نشدن آنها محرومیت‌ها و تنبیهات قانونی شامل حال افراد و نهادها می‌شود. بدین ترتیب چنین قوانینی مانع از اجرای برخی فعالیت‌ها شده و برخی فعالیت‌های مفید دیگر را تقویت می‌کند	سرعت انجام زیاد - قاطعیت و مصمم بودن دولت را نشان می‌دهد	انعطاف‌پذیری بسیار کم - گاهی در همه‌ی حوزه‌ها امکان تصویب و تدوین استانداردهای مناسب فراهم نیست
تنظیم‌گری اختصاصی یا خود تنظیم‌گری	یک صنف یا اتحادیه‌ی تجاری و اقتصادی، مقررات و قوانین مربوط به‌خود را در زمینه‌ی عملکرد تدوین کرده و به اجرا می‌گذارد. دولت نیز می‌تواند به نظارت خود ادامه دهد اما نمی‌تواند دخالت مستقیمی در کار داشته باشد	قوانین و مقررات، جامعیت و انعطاف بیشتری دارد - تعهد زیاد فعالان اقتصادی به اجرای آنها	ممکن است اتحادیه‌ها منافع خود را در وضع قوانین لحاظ کرده و برای کسب منافع بیشتر تلاش کنند
تنظیم‌گری مشوق‌محور یا انگیزش‌محور	مقرراتی که در این روش ارائه می‌شود بر مبنای در نظر گرفتن جریحه در صورت تخلف از مقررات و دریافت پاداش در صورت بروز رفتارهای مناسب است	به افزایش بازدهی فعالیت‌های بنگاه‌ها و کاهش هزینه‌های آنها می‌انجامد - انعطاف‌پذیری زیاد	نتیجه‌گر بودن

■ شفافیت فرآیندهای تصمیم‌گیری

■ قابل‌پیش‌بینی بودن

■ پاسخگویی: به‌طوری‌که علاوه بر لزوم پاسخگویی تنظیم‌کنندگان و اجراکنندگان به شهروندان، مجلس و اتحادیه‌ها، باید مشخص باشد که عناصر به‌صورت شفاف و صریح با چه کسی درگیر هستند و باید در چه موضوعی پاسخگو باشند؟

■ شفافیت نقش‌ها و مسئولیت‌ها

■ دسترسی به منابع اطلاعات: اطلاعات ارزشمندترین منبع در فرآیندهای تنظیم‌گری است. درخواست اطلاعات، حق طبیعی سازمان‌های تنظیم‌گر است و جزء اختیارات قانونی آنها محسوب می‌شود. در این فرآیند باید ظرفیت‌های لازم برای اعمال فشار و تحمیل جرائم به شرکت‌ها و نهادها وجود داشته باشد.

■ ثبات

■ اقتدار در تصمیم‌گیری

۹- انواع تنظیم‌گری

تنظیم‌گری از جنبه‌های گوناگون قابل‌دسته‌بندی است. در جدول ۱- روش‌های مختلف تنظیم‌گری از منظر کارکردی تشریح شده است.

علاوه بر روش‌های اصلی بیان شده در جدول ۱-، تنظیم‌گری از طریق انعقاد قرارداد نیز امکان‌پذیر است. البته این روش می‌تواند تکمیل‌کننده‌ی سایر روش‌ها برای تنظیم‌گری قلمداد شود و نه به‌عنوان یک روش جایگزین. در این روش دولت‌ها از قدرت خرید خود برای ایجاد شرایط خاص در قرارداد با فعالان تجاری بازار استفاده می‌کنند. تنظیم‌گری از طریق قرارداد غالباً راه‌حلی کوتاه‌مدت است. مثلاً از چنین روشی می‌توان برای استفاده‌ی هرچه بیشتر انرژی‌های تجدیدپذیر در تولید کالاها و محصولات استفاده کرد.

همچنین تنظیم‌گری هم می‌تواند با رویکرد نتیجه‌محور انجام گردد و تنها کیفیت مورد انتظار خدمات و فعالیت‌ها در یک بخش را ارائه کند و هم می‌تواند با رویکرد فرآیند‌محور انجام شود و جزئیات دقیق فرآیند ارائه‌ی خدمات را نیز مشخص نماید.

۱۰- جایگاه تنظیم‌گری در قوانین کشور در حوزه‌ی نفت و گاز

در حال حاضر سازمان‌ها و مراکز دولتی و غیردولتی متعددی در ایران فعال هستند که به‌نوعی وظایف و نقش‌های تنظیم‌گری را ایفا می‌کنند. از جمله این مراکز می‌توان به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار، شورای رقابت، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، دفتر سرمایه‌گذاری و تنظیم مقررات بازار آب و برق (توسعه‌ی رقابت در بازارهای آب و برق) و سازمان نظام پزشکی اشاره کرد. اما با نگاهی به قوانین مصوب کشور در بخش نفت و گاز مشاهده می‌شود ایجاد و راه‌اندازی نهاد تنظیم‌گری در این بخش نیز مورد تأکید اسناد بالادستی بوده است.

بر اساس ماده‌ی ۸- قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶)، امور حاکمیتی به‌معنای اموری تعریف شده که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است، منافع آن بدون محدودیت شامل همه‌ی اقشار جامعه شده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده‌ی دیگران نمی‌گردد و برخی موارد از جمله ایجاد فضای سالم برای رقابت، جلوگیری از انحصار و تضييع حقوق مردم از جمله وظایف حاکمیت برشمرده شده است.

همچنین در ماده‌ی ۱۳- قانون اصلاح مواد از قانون برنامه‌ی چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴- قانون اساسی

(مصوب ۱۳۸۷) دولت مکلف شده وظایف حاکمیتی را از شرکت‌های دولتی منفک و به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی تخصصی ذیربط محول کند.

در ادامه و در ماده‌ی ۱۲۹- قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه (مصوب ۱۳۸۹) وزارت نفت موظف به ایجاد ساختار سازمانی لازم برای ایفای وظایف حاکمیتی خود شده است. وظایف و اختیارات حاکمیتی که بر اساس این ماده برای وزارت نفت تبیین شده عبارتند از: صدور پروانه برای عملیات اکتشاف، توسعه و تولید برای شرکت‌های صاحب صلاحیت، ابلاغ ضوابط تولید صیانتی، نظارت مقداری و نظارت صیانتی و HSE بر فعالیت شرکت‌ها که همگی این موارد جزء امور مرتبط با تنظیم‌گری است.

در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (مصوب ۱۳۹۱) نیز هدف از تشکیل وزارت نفت (ماده‌ی ۱-) و وظایف و اختیارات آن در شش گروه طبقه‌بندی و تبیین شده است (ماده‌ی ۳-). همچنین در ماده‌ی ۱۳- این قانون، وزارت نفت مکلف شده زمینه‌ی رقابت سالم و شفاف بین فعالان اقتصادی صنعت نفت و گاز و صنایع مرتبط و وابسته را فراهم نماید و با جلوگیری از انحصار، فضای کسب و کار در این صنعت را بهبود بخشد (منطبق بر وظایف تنظیم‌گری).

بنابراین با توجه به سیر قوانین مصوب در این زمینه به‌نظر می‌رسد به‌روشنی وظایف وزارت نفت در زمینه‌ی راه‌اندازی نهاد تنظیم‌گری تبیین شده و این قوانین می‌توانند مبنایی برای ایجاد ساز و کار تنظیم‌گری در این صنعت قرار گیرند.

۱۲- سوابق نهادهای تنظیم‌گری در بخش

نفت و گاز سایر کشورها

نهاد تنظیم‌گری می‌تواند در یکی از

بخش‌های وزارتی و دولتی یا در یک مؤسسه‌ی وابسته به نهاد دولتی و وزارتی یا در یک مؤسسه به کلی مستقل تشکیل شود. اینکه کدام یک از این سه گزینه انتخاب شود به بخش مورد نظر برای تنظیم‌گری، بلوغ سیستم و درجه‌ی رقابت آن بخش بستگی دارد. بنابراین ساماندهی نهاد تنظیم‌گری باید بر اساس بررسی و تحلیل نیازها و شرایط خاص هر بخش و کشور صورت پذیرد و مثلاً نمی‌توان در عمل ساختار تنظیم‌گری یک کشور توسعه‌یافته را با همان مقیاس در یک کشور در حال توسعه پیاده کرد. با این وجود برای درک بهتر کارکرد نهادهای تنظیم‌گر و یافتن ایده‌های مناسب، مطالعه‌ی تجارب جهانی می‌تواند مفید واقع شود. بنابراین در ادامه‌ی وظایف و حیطه‌ی فعالیت چند نهاد تنظیم‌گری در زمینه‌ی انرژی و نفت و گاز در کشورهای منتخب بررسی خواهد شد.

۱۲-۱- آمریکا

تنظیم‌گری در بخش نفت و گاز آمریکا علاوه بر اینکه توسط دولت فدرال در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی مختلفی انجام می‌شود در هر ایالت به‌طور جداگانه توسط مؤسسه‌ای مستقل نیز انجام می‌شود. این مؤسسات برای تنظیم قوانین و مقررات مربوط به اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری و فعالیت‌های مربوط به نفت و گاز فعالیت می‌کنند، هر یک در محدوده‌ی ایالت مربوط به خود، پروانه و مجوز حفاری صادر کرده و بر خطوط لوله‌ی نفت و گاز کنترل و نظارت می‌کنند. همچنین هر ایالت به‌طور جداگانه مؤسسه‌ای برای تنظیم مقررات مربوط به HSE در اختیار دارد. اما مهم‌ترین وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی که در سطح فدرال در زمینه‌ی نفت و گاز به تنظیم‌گری

مشغول هستند عبارتند از:

■ وزارت کشور: تنظیم‌کننده‌ی قوانین و مقررات مربوط به استخراج نفت از سرزمین‌های فدرال

■ اداره‌ی کل مدیریت اراضی: تنظیم‌کننده‌ی اکتشاف، توسعه و تولید نفت از مناطق خشکی فدرال

■ اداره‌ی کل مدیریت انرژی دریایی: تنظیم‌کننده‌ی قوانین مربوط به مدیریت تولید نفت مناطق دریایی

■ دفتر درآمدهای منابع طبیعی: دریافت بهره‌ی مالکانه از تولید مناطق خشکی و دریا

■ اداره‌ی کل امور بومیان: تنظیم‌کننده‌ی قوانین و مقررات مربوط به توسعه‌ی میادین نفتی در اراضی بومیان

■ کمیسیون فدرال تنظیم‌گری انرژی: تنظیم‌کننده‌ی مقررات مربوط به مدیریت بین‌ایالتی خطوط لوله

■ وزارت انرژی: بر عهده داشتن راهبری ذخایر استراتژیک نفت، هدایت تحقیقات مربوط به انرژی و جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مربوط به بخش انرژی

■ سازمان حفاظت از محیط زیست: نظارت بر مباحث HSE در فعالیت‌های نفت و گاز

در ادامه به بررسی وظایف و ساختار کمیسیون فدرال تنظیم‌گری انرژی به‌عنوان یکی از نهادهای تنظیم‌گر آمریکا در بخش نفت و گاز اشاره می‌شود.

۱۲-۱-۱- کمیسیون فدرال تنظیم‌گری انرژی FERC^۱

کمیسیون فدرال تنظیم‌گر انرژی به‌عنوان یک مؤسسه‌ی تنظیم‌گر مستقل در درون وزارت انرژی ایالات متحده از ۱۹۷۷ آغاز به کار کرده است. رئیس جمهور و کنگره به‌طور معمول نمی‌توانند تصمیمات آنرا بازنگری کنند. اما این تصمیمات توسط

دادگاه فدرال قابل بررسی است. کمیسیون فدرال تنظیم‌گری انرژی، مستقل از وزارت انرژی است؛ به‌طوری که فعالیت‌های آن نباید زیر نظر وزیر انرژی یا هر مسئول و کارمندی در وزارتخانه‌ی مذکور صورت گیرد. اما وزارت انرژی می‌تواند به‌عنوان طرف سوم در اقدامات این کمیسیون مشارکت داشته باشد.

اعضای پنج نفره‌ی این کمیسیون، با مشورت و رضایت مجلس سنا و با انتخاب و حکم رئیس جمهور به مدت پنج سال با حق رأی برابر به عضویت این کمیسیون منصوب می‌شوند. البته نباید بیش از سه نفر از اعضای این کمیسیون از یک جناح سیاسی انتخاب شوند. در این کمیسیون تصمیم‌گیری توسط رأی اکثریت انجام می‌شود. در حال حاضر این کمیسیون ۱۴۵۰ کارمند با تخصص‌های مختلف دارد. بودجه‌ی سال ۲۰۱۰ این کمیسیون ۳۱۵ میلیون دلار بوده که با پیشنهاد رئیس جمهور و تأیید کنگره در بودجه تصویب می‌شود. اما به‌دلیل دریافت همگی آن از صنایع مرتبط، این کمیسیون هیچ‌گونه بار بودجه‌ای برای دولت ندارد. در واقع این مؤسسه از نظر مالی خوداتکاست. اختیارات این کمیسیون به‌شرح زیر است:

■ تنظیم مقررات مربوط به انتقال و فروش گاز برای فروش مجدد در تجارت بین‌ایالتی

■ تنظیم مقررات مربوط به حمل و نقل نفت از طریق خطوط لوله در تجارت بین‌ایالتی

■ تصویب موقعیت و نقشه‌ی خطوط لوله گاز بین‌ایالتی و تجهیزات ذخیره‌سازی گاز

■ اطمینان از عملیات ایمن و قابل اطمینان پایانه‌های در حال بهره‌برداری و پیشنهادی LNG

■ فروش برق بین‌ایالتی

■ تعیین نرخ‌های عمده‌ی فروشی برق
 ■ صدور مجوز برای احداث واحدهای برق آبی

اختیارات این کمیسیون شامل مواردی از جمله نظارت بر ساخت و ساز خطوط لوله‌ی نفت، خدمات مربوط به تأسیسات نفتی، مالکیت و ادغام شرکت‌های نفت و گاز، تنظیم مقررات خطوط توزیع گاز طبیعی منطقه‌ای، توسعه و بهره‌برداری از خودروهای گازسوز نیست.

۱۲-۲- برزیل

مهم‌ترین نهادهای تنظیم‌گری برزیل در بخش نفت و گاز عبارتند از:

■ CNPE که نهادی مشورتی است و زیر نظر رئیس جمهور برزیل فعالیت می‌کند. وظیفه‌ی این نهاد پیشنهاد خطوط کلی سیاست‌های کلان استفاده‌ی منطقی از منابع انرژی است. جنبه‌ی مشورتی و سیاست‌گذاری این نهاد بیش از تنظیم‌گری است، تمامی توصیه‌های آن جنبه‌ی اجباری ندارد و می‌تواند به‌عنوان خوراک فکری برای سازمان‌ها و مراکز مرتبط محسوب شود.

■ وزارت معادن و انرژی (MME) که مسئول تعریف خطوط کلی فعالیت‌ها و برنامه‌ها و نظارت بر اجرای سیاست‌های تدوین شده CNPE است. حوزه‌های فعالیت وزارت معادن و انرژی شامل نفت و گاز و

برق و هسته‌ای است. سه مؤسسه‌ی تنظیم‌گری مستقلی که با حوزه‌های تحت فعالیت وزارت معادن و انرژی فعال در ارتباطند عبارتند از: مؤسسه‌ی ملی برق (ANEEL)، مدیریت ملی تولید معادن (DNPM) و مؤسسه‌ی ملی نفت، گاز و سوخت‌های زیستی (ANP).
 ■ ANP اصلی‌ترین تنظیم‌گیر بخش نفت و گاز برزیل است. وظیفه‌ی این نهاد اجرای سیاست‌های ابلاغی توسط CNPE و MME از طریق تنظیم مقررات و نظارت بر اجرای آنها در فعالیت‌های مرتبط با نفت و گاز است.

■ IBAMA مؤسسه‌ی محیط زیست و منابع تجدیدپذیر انرژی است که وظیفه‌اش اجرای سیاست‌های ملی محیط زیست و صدور پروانه‌ی محیط زیست برای اجرای پروژه‌های نفت و گاز است.

■ ANTAQ مؤسسه‌ی ملی حمل و نقل دریایی است که وابسته به وزارت حمل و نقل بنادر است و مسئولیت حمل و نقل دریایی را بر عهده دارد.

■ DPC اداره‌ی کل بنادر و سواحل است که مسئولیت تأیید شرایط تجهیزات و کارکنان و سایر الزامات مربوط به فعالیت در بنادر را بر عهده دارد.

در ادامه به بررسی وظایف و ساختار ANP به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی تنظیم‌گر برزیل در بخش نفت و گاز اشاره می‌شود:

۱۲-۲-۱- سازمان ملی نفت و گاز و سوخت‌های زیستی (ANP)

این سازمان دولتی که با وزارت معادن و انرژی برزیل ارتباط دارد از ۱۹۹۷ با بازنگری در قانون نفت برزیل و همزمان با نهاد CNPE تشکیل شد. وظیفه‌ی اصلی ANP تنظیم مقررات، عقد قرارداد و نظارت بر اجرای قراردادها بر اساس قوانین در زمینه‌ی نفت و گاز و سوخت‌های زیستی است. مسئولیت‌های مؤسسه‌ی ANP به‌طور خلاصه عبارتند از:

■ اجرایی کردن سیاست‌های CNPE و

MME

■ تعریف بلوک‌های اکتشافی در نواحی مختلف از جمله مناطقی با پتانسیل زیاد و حوضه‌های جدید

■ تشویق مشارکت شرکت‌های مختلف از جمله شرکت‌های کوچک و تداوم اکتشاف و تولید در حوضه‌های رسوبی توسعه‌یافته

■ تنظیم ضوابط و مشوق‌های لازم برای پیاده‌سازی برنامه‌های اکتشافی

■ مشخص کردن حداقل سهم استفاده از توان داخلی در پروژه‌ها

■ مدیریت قراردادها

■ نگهداری تمامی اطلاعات فنی و غیرفنی مربوط به صنعت نفت

■ تنظیم مقررات و قوانین مربوط به حمل و نقل و انتقال نفت و فرآورده‌های نفتی

■ برگزاری مناقصات و عقد قرارداد به نمایندگی از طرف دولت برزیل

■ مسئولیت تنظیم مقررات و نظارت بر ساخت، بهره‌برداری و توسعه‌ی واحدهای پالایشگاهی نفت و گاز و تأسیسات مربوط به آن

■ مسئولیت تنظیم مقررات و نظارت بر ذخیره‌سازی و حمل و نقل نفت و فرآورده‌های نفتی

۲ سهم استفاده از توان داخلی در مناقصات برگزار شده ANP در بخش اکتشاف و تولید میادین نفت و گاز

(درصد)	دور اول	دور دوم	دور سوم	دور چهارم	دور پنجم	دور ششم	دور هفتم	دور نهم	دور دهم
سال	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۷	۲۰۰۸
در بخش اکتشاف	۲۵	۴۲	۲۸	۳۹	۷۹	۸۶	۷۴	۶۹	۷۹
در بخش توسعه	۲۷	۴۸	۴۰	۵۴	۸۶	۸۹	۸۱	۷۷	۸۳

■ مسئولیت تنظیم مقررات و نظارت بر تولید و انتقال و توزیع فرآورده‌های نفتی

ANP متعهد به ثبات در قوانین، شفافیت زیاد، ایجاد فضای مناسب برای سرمایه‌گذاری و نظارت دقیق بر قراردادهاست. در حقیقت ANP به‌عنوان حلقه‌ی اتصال منافع درازمدت و پایدار دولت، سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان است.

اعضای هیأت مدیره ANP که پنج نفر هستند، با انتخاب و حکم رئیس جمهور و تأیید مجلس برای چهارسال منصوب می‌شوند. همان‌طور که اشاره شد مسئولیت برگزاری تمامی مناقصات مربوط به واگذاری بلوک‌های اکتشاف و توسعه‌ی برزیل با ANP است که طی نوزده سال فعالیت خود تا کنون سیزده مناقصه برگزار کرده است. در جدول-۲ سهم استفاده از توان داخلی در پروژه‌های واگذار شده توسط ANP طی سال‌های گذشته ارائه گردیده که همان‌طور که مشاهده می‌شود رشد بسیار چشمگیری داشته است.

۱۲-۳- ترکیه

در ترکیه پنج سازمان دولتی، عمده فعالیت‌های مربوط به بخش نفت و گاز را تنظیم‌گری می‌کنند.

الف) وزارت انرژی و منابع طبیعی (MENR)

که وظایف زیر را بر عهده دارد:

- تعیین تقاضای انرژی و منابع طبیعی ترکیه در کوتاه‌مدت و بلندمدت
- برنامه‌ریزی مناسب برای دستیابی به اهداف سیاست‌های مشخص شده
- نظارت بر اکتشاف، ساخت تأسیسات، توسعه، بهره‌برداری و توزیع انواع انرژی و منابع طبیعی

ب) اداره‌ی کل امور منابع هیدروکربنی (GDPA)

این اداره کل در وزارت انرژی و منابع طبیعی مستقر است و وظیفه‌اش صدور و نظارت بر پروانه‌های اکتشاف و تولید و همچنین انتشار و نظارت بر مجوزهای تحقیقاتی در بخش بالادستی نفت و گاز است.

ج) مرجع تنظیم‌گری بازار انرژی (EMRA)

نهادی مستقل است که مسئولیت تنظیم‌گری و نظارت بر بازار پایین‌دستی نفت و گاز شامل مجوزهای واردات و صادرات و نظارت بر تمامی فعالیت‌های بازار انرژی را بر عهده دارد. این مرجع در زمینه‌های زیر قدرت اجرایی دارد:

- صدور پروانه برای تولید، انتقال و توزیع و عرضه‌ی حامل‌های انرژی
- تدوین، اجرا و اصلاح قوانین بازار نفت و گاز برای شکل‌دهی عملکرد استاندارد فعالان این بخش
- اعمال مجازات برای فعالیت‌های نامناسب در بازار توسط خاطیان
- حل دعاوی و مشکلات بین دارندگان مجوز

د) وزارت کار و امور اجتماعی

وظیفه‌اش تنظیم مقررات و نظارت بر سلامت کارکنان و ایمنی از طریق اقدامات زیر است:

- نظارت، تحقیق و بازرسی در خصوص انجام اقدامات ایمنی، تنظیم و پیاده‌سازی معیارهای بهداشت حرفه‌ای
- بازرسی مؤسسات آموزشی و واحدهای ایمنی و بهداشت
- اطمینان از رعایت ایمنی و سلامت در محیط‌های کاری

■ بهبود شرایط ایمنی و سلامت

ه) وزارت محیط زیست و برنامه‌ریزی شهری
این نهاد مسئولیت تنظیم‌گری و انطباق مقررات زیست‌محیطی با عملکرد بخش‌های مختلف را از طریق فعالیت‌های زیر بر عهده دارد:

■ مشارکت با اتاق‌های تخصصی و سازمان‌های غیردولتی

■ تنظیم مقررات پسماند، بازیافت، دفع و بازرسی از تأسیسات مرتبط

■ تنظیم معیارهای محیط زیست و نظارت و بازرسی از فعالیت‌ها بر اساس آن

در ادامه وظایف و ساختار مرجع تنظیم‌گری بازار انرژی به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی تنظیم‌گر ترکیه بررسی می‌شود.

۱۲-۳-۱- مرجع تنظیم‌گری بازار انرژی (EMRA)

تمامی فعالیت‌های پایین‌دستی نفت و گاز و همچنین بازار برق ترکیه توسط مرجع تنظیم‌گری بازار انرژی کنترل و نظارت می‌شود. این مرجع قانونی که فعالیت خود را از ۲۰۰۱ آغاز کرده نهادی حقوقی است که اختیارات مالی و اداری مستقل دارد.

هدف اصلی این مرجع، سازمان‌دهی بخش انرژی به‌صورتی شفاف و از لحاظ مالی قدرتمند است که بتواند در محیطی رقابتی فعالیت کند. مرجع تنظیم‌گری بازار انرژی، مسئول وضع مقررات مستقل و نظارت بر ارائه‌ی خدمات انرژی به مصرف‌کنندگان از راه‌های مناسب، واجد شرایط، پیوسته، ارزان، بهینه و سازگار با محیط زیست است. هیأت مدیره‌ی مرجع ۹ عضو دارد. هرگونه دعوی علیه تصمیمات این هیأت در عالی‌ترین

دادگاه اداری ترکیه به نام شورای کشوری^۸ رسیدگی و حل و فصل می‌شود.

۱۲-۴- نوژ

در نوژ پارلمان، مسئول تنظیم چارچوب فعالیت‌های نفتی این کشور است. پارلمان نوژ علاوه بر تصویب قوانین و تکلیف وظایف به نهادهای ذیربط، پیشنهادهای مربوط به فعالیت‌های صنعت نفت را بحث و بررسی می‌کند. در همین راستا پروژه‌های بزرگ صنعت نفت و مسائل مهم مرتبط با این صنعت باید به تصویب مجلس برسد و توسط مدیریت و نظارت دولت اجرا شود. در حقیقت دولت تنها در اجرای سیاست‌های نفتی قدرت عمل دارد و در برابر مجلس پاسخگو است. دولت از طریق وزارتخانه‌ها و سازمان‌های زیر نظر آنها سیاست‌های تصویب شده‌ی مجلس را اجرا و پیاده می‌کند. مسئولیت اجرای نقش‌های مختلف در اجرای سیاست‌های نفتی بین سازمان‌های مختلف زیر به اشتراک گذاشته شده است:

- وزارت نفت و انرژی (MPE) که مسئول مدیریت منابع و کل بخش انرژی است.

- وزارت کار که مسئول سلامت، ایمنی و محیط کار است.

- وزارت امور اقتصاد که مسئولیت درآمدهای ملی را بر عهده دارد.

- وزارت محیط زیست که مسئول حفاظت از محیط پیرامونی است.

- اداره‌ی کل نفت نوژ (NPD) که یک واحد اداری زیرمجموعه‌ی وزارت نفت و انرژی است، نقش مهمی در ارائه‌ی مشورت به این وزارتخانه دارد و نقش اصلی را در مدیریت منابع نفتی بر عهده دارد.

- مرجع ایمنی فعالیت‌های نفتی نوژ (PSA) نیز زیرمجموعه‌ی وزارت کار است که وظیفه‌ی ایمنی، آمادگی اضطراری و

فضای کاری فعالیت‌های مرتبط با صنعت نفت را بر عهده دارد.

در ادامه وظایف و ساختار اداره‌ی کل نفت نوژ (NPD) به عنوان یکی از نهادهای اصلی تنظیم‌گر نوژ بررسی می‌شود:

۱۲-۴-۱- اداره‌ی کل نفت نوژ (NPD)

این اداره کل که از ۱۹۷۲ آغاز به کار کرده و ۲۳۰ کارمند دارد، سازمانی سیال است. تا ۲۰۱۴ هیچ بخش یا اداره‌ای در این اداره کل، ایجاد نشده بود و تمامی اعضای آن در قالب هشتاد تیم کاری در موضوعات مختلف فعالیت می‌کردند و یک فرد در گروه‌های مختلف کاری مشارکت داشت. از ۲۰۱۴ با گسترش حجم فعالیت‌های این اداره کل، ساختار سازمانی آن نیز دچار تغییراتی شد. در حال حاضر این اداره کل، یک مدیر کل، چهار اداره و دوازده معاون مدیر دارد. چهار بخش اصلی این اداره عبارتند از: اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری، تحلیل و بررسی، مدیریت داده و سازماندهی.

تشکیلات این اداره کل در حداکثرسازی منافع حاصل از منابع و فعالیت‌های نفت و گاز برای کشور از طریق اتخاذ روش‌های مدیریت مدبرانه، ایمن و سازگار با محیط زیست نقشی مهم و حیاتی دارد.

۱۲-۵- انجمن منطقه‌ای تنظیم‌گرهای انرژی

(ERRA)

این انجمن یک سازمان داوطلبانه متشکل از هیأت‌های مستقل تنظیم‌گری انرژی است. ERRA به عنوان یک ابداع همکاری میان دوازده هیأت از ۱۹۹۹ آغاز به کار کرد. در حال حاضر این انجمن ۲۴ عضو کامل کشوری، چهار انجمن عضو و هفت عضو وابسته دارد و مرکز آن در بوداپست

مجارستان است. اهداف این انجمن عبارتند از:

- اصلاح مقررات ملی انرژی در کشورهای عضو

- تقویت توسعه‌ی تنظیم‌گران انرژی با استقلال داخلی

- بهبود همکاری تنظیم‌گران انرژی

- تسهیل مبادله‌ی اطلاعات، تحقیقات، آموزش و تجارب در بین اعضا و سایر

- تنظیم‌گران در سراسر جهان

- اجرای برنامه‌های آموزشی

کشورهای حاضر در انجمن عبارتند از: آلبانی، ارمنستان، آذربایجان، بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، کرواسی، استونی، گرجستان، مجارستان، قزاقستان، قرقیزستان، لتونی، لیتوانی، مقدونیه، مولداوی، مغولستان، لهستان، رومانی، روسیه، صربستان، ترکیه، اوکراین، اسلواکی، اردن، نیجریه، عربستان سعودی، آمریکا، کامرون، غنا، اردن و مونتنگرو.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بدهی‌های گسترده، کمبود منابع مالی و هزینه‌های فراوان انجام خدمات در صنعت نفت که در فضای انحصاری و شرایط تحریم در کشور، در کنار افت قیمت‌های نفت خام سبب شده بخشی از امیدها برای برطرف کردن این مشکلات به رفع تحریم‌های بین‌المللی علیه کشور معطوف شود؛ چراکه انتظار می‌رود مشارکت شرکت‌های داخلی و خارجی (بخش خصوصی) در فعالیت‌های صنعت نفت بتواند تا حدودی مشکل مالی و فن‌آوری در این صنعت را حل کند و با تشکیل کسب‌وکارهای مختلف، توانمندی شرکت‌های داخلی افزایش

وظایف وزارت نفت در زمینه‌ی راه‌اندازی نهاد تنظیم‌گری به‌روشنی تبیین شده و این قوانین می‌توانند مبنایی برای ایجاد ساز و کار تنظیم‌گری در این صنعت قرار گیرند. بنابراین پیشنهاد می‌شود بر اساس بررسی و تحلیل نیازها و شرایط خاص کشور، نهادهای تنظیم‌گری لازم در صنعت نفت ایجاد گردند. با توجه به مضرات و اثرات منفی فراوان تنظیم‌گری نامناسب، ضروری است به موارد و اصول اساسی برای تنظیم‌گری بهینه توجه کافی و وافر شود و در این زمینه از تجربیات جهانی لازم استفاده گردد. البته ضروری است جهت ایفای مؤثر وظایف تنظیم‌گری ابتدا ساختار سازمانی و شرح وظایف معاونت‌های مختلف که مرتبط با تنظیم‌گری در وزارت نفت بازنگری و اصلاح شود. همچنین امید است با ایفای مؤثر وظایف تنظیم‌گری توسط وزارت نفت، ملاحظات تولید صیانتی بیش از پیش در میدان هیدروکربنی کشور پیاده شود. ■

سرمایه‌گذاری بسیار مناسب است. البته که برخورداری از امنیت، شرط بسیار مهم و لازمی برای ورود سرمایه به کشور است؛ اما شرط کافی نیست. همچنین جهت جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در کشور باید محیط کسب و کار را نیز ارتقاء بخشید.

تجربیات جهانی حاکی از آنست که در سایه‌ی فعالیت بهینه‌ی نهادهای تنظیم‌گر، توازن لازم بین منافع بخش خصوصی، دولتی و مصرف‌کنندگان حاصل شده و با حفظ رقابت و ممانعت از بروز رفتار انحصارگرایانه و فراهم آوردن بستر مناسب برای دستیابی به مزایای اقتصاد بازار، می‌توان رفاه جامعه را افزایش داد. یک سیستم تنظیم‌گر کارا با بازدهی مناسب، اطمینان و آرامش موجود در اقتصاد و جامعه را افزایش می‌دهد و سبب می‌شود فعالیت‌های درون یک بخش یا صنعت، قاعده‌مند و منظم شوند. بررسی قوانین مصوب و اسناد بالادستی کشور در بخش نفت و گاز نشان می‌دهد

یابد. اما باید توجه داشت که میزان تأثیر فضای پساتحریم در رفع مشکلات صنعت نفت، به ظرفیت‌ها و بسترهای ایجاد شده برای بهره‌گیری از این موقعیت جدید بستگی دارد. از مهم‌ترین موانع جذب حداکثری، مشارکت شرکت‌های داخلی و خارجی و ایجاد فضای رقابتی در کشور، ضعف شدید فعالیت‌های تنظیم‌گری است. در حقیقت ضمن اینکه فضای کشور و از جمله صنعت نفت بسیار دولت‌زده است شاهد هستیم که دولت بهره‌ی مناسب را از ابزارهای لازم برای تنظیم و قاعده‌مندی بازار نمی‌برد و همین مطلب است که منجر به وضعیت تأسف‌بار ایران در فضای کسب و کار در بین کشورهای مختلف شده است. بر اساس برآورد سازمان‌های بین‌المللی، در ۲۰۱۶ در شاخص سهولت فضای کسب و کار از میان ۱۸۹ کشور، رتبه‌ی ایران ۱۱۸ اعلام شده است. این در حالی است که مکرراً اعلام می‌شود ایران سرزمینی امن و باثبات در منطقه و جهان بوده و برای

پانویس‌ها

1. Regulatory
2. Policy-Making
3. Strategy-Making

4. Operational Decision-Making
5. Monitoring and Regulation
6. business dictionary

7. Federal Energy Regulatory Commission
8. Danistay
9. Energy Regulators Regional Association

منابع

- [1] Introduction to Energy Regulation, UNIDO
[2] Glossary Of Industrial Organization Economics And Competition Law, OECD
[3] A Firm's Reputation as a Regulatory Tool, David Matthias Bachmann, 2011
[4] Report on Good Governance of the National Petroleum Sector, Chatham House, April 2007
[5] The Norwegian Petroleum Directorate –Roles and responsibilities, June, 2014
[6] Regulation of Upstream and Downstream Oil and Gas Operations, June, 2006
[7] The Oil and Gas Industry in Brazil, The Role Of The Regulator, May 2009
[8] Oil and Gas Regulation in Brazil: Overview, Apr. 2013
[9] Oil and Gas Regulation in the united states: Overview, Jan. 2015, PLC
[10] Oil and Gas Regulation in the Turkey: Overview, May. 2015, PLC
[11] Oil and Gas Regulation in Norway: Overview, Apr. 2014
[12] www.ferc.gov
[13] www.emra.org.tr
[14] www.erranet.org
[۱۵] تبیین نقش تنظیم‌گری در نظام توسعه، شرکت مشاوران مدیریت توسعه عمید
[۱۶] کتاب نگاهی نو به فرآیند حکمرانی خوب در صنعت نفت، مجتبی کریمی، احمداسدزاده، پژوهشگاه صنعت نفت، بهار ۱۳۹۴
[۱۷] نظام تنظیم‌گری، گروه بین‌المللی ره شهر، نشریه شماره ۱۴۶، تابستان ۱۳۹۳
[۱۸] پایگاه‌های اطلاع‌رسانی سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، دفتر سرمایه‌گذاری و تنظیم مقررات برق و آب وزارت نیرو، شورای رقابت، مرکز ملی رقابت